

ارزیابی و نقد ترجمه استعاره در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن

سید سجاد غلامی*

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (بورسیه دانشگاه

یاسوج)

علی حاجی خانی**

استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۹)

چکیده

بی‌شک قرآن کریم کتابی است مقدس که برای هدایت بشر نازل گشته تا راه و روش زندگی و نیل به کمال را به او نشان دهد و افزون بر این، کتابی است که فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین اسلوب‌های بیانی در آن به کار رفته است. واضح است که تدقیق در این روش‌های بیانی در فهم و درک بهتر آیات قرآن بسیار مؤثر است؛ از جمله این روش‌ها که به وفور در قرآن به کار رفته، استعاره است. در این میان، مترجم قرآن باید تلاش کند با آگاهی کافی، موضوع استعاره و استفاده از نظرات علمای بلاغت و مفسران و نیز محققان قرآنی و با بهره‌گیری از روش‌های مناسب ترجمه، نسبت به انتقال شایسته آن به زبان مقصد مبادرت نماید. این تحقیق بر آن است تا ضمن بررسی روش‌های ترجمه استعاره در برخی از مشهورترین ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن (مکارم شیرازی، مشکینی، گرامرودی، فولادوند، معزی، صفارزاده، قمشه‌ای، انصاریان، خرمشاهی و صادقی‌تهرانی)، آن‌ها را نقد و ارزیابی نماید تا پس از بیان نکات ضعف و قوت هر یک، شاخص‌ترین روش ترجمه را در صنعت استعاره معرفی نماید.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، استعاره، روش‌های ترجمه معاصر، ارزیابی.

* Email: s.s.gholami1986@gmail.com (نویسنده مسئول)

** Email: ali.hajikhani@modares.ac.ir

مقدمه

قرآن اقیانوسی است مملو از معانی گرانسنگ که هر نفس سلیم را به سوی خود می‌کشاند. تاکنون در این کتاب، از زوایا و ابعاد متفاوتی بررسی و مذاقه شده‌است. ساختار آیه‌ها، استفاده دقیق و مناسب کلمات، آهنگ دل‌نشین و موزون و نیز بلاغت بی‌نظیر قرآن موجب شده‌است حتی پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از نزول آن، باز کسی توان تحدی و مقابله با کلام خدا را نداشته باشد. یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن کریم فصاحت و بلاغت آن است که در حوزه ترجمه قرآن به شکل شایسته و بایسته بدان توجه نشده‌است. جنس قرآن از سنخ کلام خداست و همان‌گونه که زیبایی‌های خداوند بی‌حد و شمار است، کلامش نیز زیبایی‌هایی دارد که بشر هنوز بعد از قرن‌ها نتوانسته به کنه زیبایی‌های آن برسد.

یکی از جلوه‌هایی که آینه نمود زیبایی قرآن را به تماشا می‌کشاند، «استعاره» است. از آنجا که این عنصر بیانی در آیات قرآن کریم بسیار نیکو و بجا به کار رفته‌است، به عنوان جلوه‌ای از جمال و کمال وحی الهی خودنمایی می‌کند. قرآن کریم این اسلوب ادبی را به نحو احسن در اغراض گوناگون چون رعایت ادب، پرهیز از آوردن الفاظ قبیح، تأکید بر عظمت و قدرت، به قصد مبالغه، اختصار و مانند آن به کار برده‌است. این ویژگی‌های خاص قرآنی مخصوصاً فوق بشری بودن آن، مترجم را به دشواری و چالش‌هایی در امر ترجمه دچار می‌سازد که تنها راه گریز از این جنبه قرآنی، احاطه کامل داشتن مترجم بر علم بلاغت است تا این کلام آسمانی را تا حد امکان به زبان مقصد انتقال دهد، هرچند تلاش بشر در این امر با نقص‌های فراوانی روبه‌روست، اما باید تلاش خود را در این راه صرف کرد. در این زمینه، مقاله‌هایی به نگارش درآمده‌است؛ از جمله: «معیارهای برای ترجمه و ارزیابی استعارات قرآنی: رویکرد مقابله‌ای تحلیلی» (ایمان طه الزینی و ابوالفضل حرّی). رساله دکتری «منهجية الترجمات الفارسية للقرآن الكريم» در دانشگاه علامه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «ترجمه استعاره» در دانشگاه قم و «نقش ایدئولوژی در ترجمه

استعارات قرآن» در دانشگاه علوم و تحقیقات فارس. اما در میان پژوهش‌ها و بررسی‌های صورت گرفته درباره معادل‌یابی و ترجمه استعاره‌های قرآنی باید گفت که تاکنون تحقیقی جامع، دقیق و کاربردی که همه جنبه‌های استعاره‌های قرآنی را داشته باشد، صورت نپذیرفته است، بلکه موضوع «ترجمه استعاره» معمولاً به صورت پراکنده و در اثنای برخی مقالات و کتب به چشم می‌خورد که می‌توان به مقاله «جستاری در ترجمه مفاهیم مجازی در قرآن کریم» نوشته آقای «جلال‌الدین جلالی» اشاره کرد. در این نوشتار، به اختصار و گذرا به برخی از انواع استعاره و معادل‌هایی که در شماری از ترجمه‌های قرآنی آمده، اشاره شده است. همچنین، کتاب بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم تألیف بهاء‌الدین خرمشاهی که در بررسی و معرفی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم است، گهگاه به آیاتی که در آن‌ها استعاره وجود دارد، اشاره کرده است. در این میان، تنها می‌توان به دو مقاله اشاره کرد که با دقت و واکاوی بیشتری این موضوع را ارزیابی نموده است: «استعاره در قرآن و دشواری ترجمه آن» که به وسیله آیت‌الله یعقوب جعفری در شماره ۱۴ مجله «ترجمان وحی» در سال ۱۳۸۲ چاپ شده است. وی ابتدا به بررسی مفهوم و انواع استعاره پرداخته، سپس به صورت موجز به چگونگی ترجمه استعاره در دو قالب و روش «تحت‌اللفظی» و «معنایی» اشاره داشته است و در پایان، بی‌آنکه متعرض مباحث و روش نوین درباره استعاره و ترجمه آن شود و مزایا و معایب هر یک از روش‌های مذکور را به دقت واکاوی نماید، تعدادی از ترجمه‌های قرآنی را با توجه به روش دوم بررسی نموده که در مجموع، می‌توان گفت نگاهی سنتی بر این نوشته است. مقاله «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرایند ترجمه» که به قلم رضا امانی و یسرا شادمان در شماره دوم «مجله مطالعات قرآن و حدیث» به سال ۱۳۹۱ چاپ شده است. نویسندگان نظرات دانشمندان پیشین و حاضر را در چگونگی ترجمه و معادل‌یابی استعاره به بحث و تحقیق کشانده‌اند و مناسب‌ترین و کارآمدترین روش‌ها را در ترجمه استعاره بیان کرده‌اند و خواننده را در فهم بهتر و کامل‌تر استعاره یاری رسانده‌اند، ولی به شکل مبسوط وارد قرآن نشده‌اند و ترجمه‌های معاصر را در نظرگاه دو

طیف از دانشمندان پیشین و حاضر کاملاً ارزیابی نکرده‌اند. اما تحقیق حاضر سعی دارد با نگاهی کارکردی و عملی به بررسی روش‌های ترجمه استعاره در مشخص‌ترین آیات استعاری قرآن و در برخی از مشهورترین ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن - مکارم شیرازی، مشکینی، گرمارودی، فولادوند، معزی، صفارزاده، قمشه‌ای، انصاریان، خرمشاهی و صادقی تهرانی را نقد و ارزیابی نماید؛ چراکه از یک سو، این ترجمه‌ها بیشتر مورد استفاده عوام قرار گرفته است و از سوی دیگر، هر کدام نماینده یک طیف از ترجمه‌های قرآنی محسوب می‌شوند. همچنین، پس از بیان نکات ضعف و قوت هر یک، شاخص‌ترین روش ترجمه در صنعت استعاره تبیین خواهد شد.

۱. استعاره در قرآن

قرآن کریم که به زبان عربی مبین نازل شده، از همه زیبایی‌های کلام عربی و از جمله آن‌ها، «استعاره» استفاده کرده است. اولین شخصی که درباره استعاره تعریف جامعی ارائه داده است، «ابوالحسن علی بن عیسی رمانی» (د. ۳۸۴ ق.) است - که البته قبل از او «ابن‌المعتز» به آن پرداخته است (ابن‌المعتز، ۱۹۶۷ م.: ۱۹۰). رمانی استعاره را چنین تعریف کرده است: «استعاره تعلیق العبارة علی غیر ما وضعت له فی أصل اللّغة علی جهة النّقل للابانة» (ر. ک؛ رمانی، ۱۹۷۶ م.: ۸۵)؛ یعنی «استعاره پیوند دادن عبارت به معنایی است که در اصل لغت برای آن وضع نشده است، به سبب انتقال از معنای اول به معنای دوم برای روشن‌سازی». در استعاره، شخص لفظی را در معنایی جز معنای اصلی آن به کار می‌برد و مدعی می‌شود که این لفظ معنای دوم را دارد؛ مانند اینکه شخصی بگوید: «شیر را دیدم که تیراندازی می‌کرد». در این عبارت، کلمه «شیر» را از معنای اصلی آن که یک حیوان درنده است، به معنای انسانی بگیرد که شجاعت بسیار دارد. این جمله با عبارت «زید مانند شیر است» فرق دارد؛ چراکه اولی از باب استعاره و دومی از باب تشبیه است. در استعاره، گوینده ادعا می‌کند که زید واقعاً شیر است و این مبالغه در تشبیه است و شنونده

خود به این موضوع آگاهی دارد. عبدالقاهر جرجانی (د. ۴۷۱ق.) در تعریف استعاره می‌گوید: «استعاره نقل اسم عن أصله إلى غیره للتشبيه على حد المبالغة» (جرجانی، ۱۹۸۷م: ۳۶۸)؛ یعنی «استعاره انتقال اسم از اصل آن به غیر آن است که به منظور تشبیه، آن هم در حد مبالغه انجام می‌گیرد». ابن رشیق قیروانی، یحیی بن حمزه یمانی و دیگر اهل بلاغت عرب‌زبان برای استعاره تعریف‌های متفاوتی را بیان کرده‌اند که در این مقاله به دو تعریف بیان‌شده می‌توان بسنده کرد و برای آگاهی بیشتر می‌توان به مقالاتی رجوع کرد که در این زمینه نوشته شده‌است (ر.ک؛ جعفری، ۱۳۸۲: ۳۹-۵۱).

برای استعاره تقسیماتی ارائه شده که حاصل هر یک، وجود اقسام متنوعی برای آن است. هر استعاره سه رکن دارد: مستعارُ منه (همان مشبّه‌به در تشبیه)، مستعارُ له (مشبّه)، مستعار (لفظی که عاریه گرفته شده) و نیز جامع (وجه شبه) (ر.ک؛ هاشمی، ۱۳۶۷: ۳۱۵). استعاره به لحاظ اینکه در آن، مشبّه یا مشبّه‌به حذف شده باشد، دو قسم است: الف) استعاره تصریحیه یا مصرّحه. ب) استعاره مکنیه یا بالکنایه (ر.ک؛ الحسنی، ۱۴۱۳ق.: ۵۲۵-۵۲۷). استعاره تصریحیه، آن است که مشبّه حذف و مشبّه‌به ذکر شده باشد؛ مانند آیه شریفه ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (الفاتحه/۴) که در آن، «ایمان» که مشبّه است، حذف و «صراط مستقیم» که مشبّه‌به است، ذکر شده‌است. وجه شبه در آن دو، «رساندن به مقصد» است. اما از نظر دانشمندان متقدم علوم بلاغت (پیش از سکاکی)، استعاره مکنیه در حقیقت، عملیات ذهنی است و در کلام گوینده، فقط قرینه‌ای دال بر آن استعاره و به عبارت دقیق‌تر، تشبیه ذهنی وجود دارد (ر.ک؛ التفتازانی، ۱۳۰۸ق.: ۳۸۱).

۲. روش ترجمه استعاره

درباره روش ترجمه استعاره سؤالاتی مطرح است که پرداختن به آن‌ها می‌تواند در ادامه بحث راهگشا باشد؛ از جمله:

آیا در ترجمه استعاره، معنای اصلی کلمات را باید در نظر گرفت؟ آیا برخی از استعاره‌ها در زبان مبدأ عیناً در زبان مقصد به کار می‌روند؟ آیا در ترجمه استعاره باید معنا و مفهوم استعاره را در نظر گرفت؟

نظر پیتر نیومارک، از بزرگ‌ترین صاحب‌نظران در حوزه ترجمه، به‌ویژه ترجمه‌های استعاری است. وی یکی از دلایل دشواری ترجمه را به معنای عام، استعاره می‌داند. وی در هفت (۷) روش در صدد ترجمه استعاره است که به قرار زیر بیان می‌شود:

۱- ترجمه تحت‌اللفظی استعاره؛ یعنی انتقال عینی لفظ به لفظ استعاره از «زبان مبدأ» به «زبان مقصد» به شرط شناخته بودن استعاره در میان صاحبان زبان که موجب حفظ کارکرد و استعمال استعاره در زبان مقصد می‌گردد.

۲- ترجمه استعاره به استعاره‌ای معادل و برابر؛ یعنی جایگزینی استعاره در زبان مقصد با استعاره‌ای معیار و استاندارد که همان معنی استعاره زبان مبدأ را در زبان مقصد بیان نماید.

این نوع ترجمه استعاره در میان دیگر ترجمه‌های استعاره پذیرفته‌تر است و در صورت وجود استعاره معادل در زبان مقصد، مترجم برای تقریب معنی از زبان مبدأ به زبان مقصد باید از این ترجمه در ایفاد معنی جمله بهره ببرد.

۳- ترجمه استعاره به تشبیه؛ یعنی برای سلیس شدن معنی، طرفین تشبیه را که در کلام یکی از دو طرف، مشبه (مستعار له) یا مشبه به (مستعار منه) حذف شده بود، اشاره شود؛ مانند: «تاریکی‌های گمراهی» و «روشنایی هدایت» در ترجمه «الظلمات» و «النور».

۴- حذف استعاره و ترجمه نکردن آن؛ یعنی حذف استعاره به معنای ترجمه نکردن آن در زبان مقصد است و آن زمانی است که استعاره زائد و غیر مفید باشد. بیان معنا و مقصود استعاره در ضمن کلام و یا موضع دیگری از متن می‌تواند توجیه‌کننده حذف استعاره در فرایند ترجمه باشد.

۵- ترجمه استعاره به معنای آن: در این روش تنها پیام نهایی و مفهوم غایی استعاره ذکر می‌شود.

۶- ترجمه تحت‌اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری: انتقال استعاره به همان صورت اصلی آن همراه با افزوده‌های تفسیری و با هدف ایضاح و روشنی بخشی به سخن، رفع ابهامات و پیچیدگی‌های احتمالی است. علاوه بر این، مترجم با هدف اطمینان از فهمیدنی بودن استعاره در زبان مقصد، از توضیحات و افزوده‌های تفسیری استفاده می‌کند؛ مانند: «تا مردم را از تاریکی‌ها (گمراهی‌ها) به روشنایی (هدایت) خارج‌سازی» (ابراهیم/۱).

۷- ترجمه استعاره به تشبیه با افزوده‌های تفسیری: این روش زمانی مناسب است که استعاره پیچیدگی و غموض داشته باشد و مترجم احساس نماید برای اغلب خوانندگان ترجمه پذیرفتنی نیست؛ همانند آیه ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَآؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ﴾ (البقره/۶۱).

* ترجمه فولادوند: «و [داغ] خواری و نداری بر [پیشانی] آنان زده شد» (نیومارک، ۱۳۸۶: ۱۴۶ و ر.ک؛ امانی و شادمان، ۱۳۹۱: ۱۴۶-۱۴۷).

آنچه در باب روش ترجمه از سوی پیتر نیومارک بیان شد، می‌توان نظر او را جامع و تکمیل‌کننده نظرات دانست و روش ترجمه وی را در فرایند ترجمه استعاره وام گرفت و ترجمه‌های بیان‌شده را ذیل این نظر به واکاوی و بوتنه نقد و تحلیل کشاند.

نکته اینجاست که مترجم در ترجمه یا به معنای مستعاره در ترجمه نظر دارد (که محذوف یا موجود است) و یا معنای مستعاره مورد نظر اوست. توجه کردن به مستعاره در جایی است که در صورت ترجمه مستعاره، معنای آیه گنگ و نامفهوم می‌شود. لذا در ترجمه این دسته آیات است که مترجم باید دقت لازم مبذول داشته‌است و یکی را به جای دیگری به کار نبرد. با ذکر این توضیح، به بررسی استعارات برخی از آیات منتخب همراه با ترجمه عده‌ای از مترجمان معاصر به نقد و ارزیابی ترجمه‌های آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲. ﴿فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ﴾ (النحل / ۱۱۲).

□ تحلیل ادبی

در این آیه، خداوند مواجهه با آثار زیانبار و فراگیر ناشی از گرسنگی و ترس را به چشاندن مزه تلخ تشبیه کرده، آنگاه لفظ «أذاق» را برای آن استعاره آورده است. سپس در ادامه جمله، یکی از خصوصیات و مناسبات مستعاره را ذکر کرده است. مستعاره، آثار زیانبار گرسنگی و خوف است که سراسر جسم و جان انسان را در بر می‌گیرد و ویژگی مناسب با آن، لباس است (ر.ک؛ ابن اَبی‌الأصبع، ۱۳۶۸: ۱۹).

○ ترجمه‌ها

- «... لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید!» (مکارم شیرازی).
- «... لباس گرسنگی و ترس را به آن‌ها پوشانید و طعم آن را به آن‌ها چشاندید» (مشکینی).
- «... گرسنگی و هراس فراگیر را به (مردم) آن چشاندید» (گرمارودی).
- «... طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاندید» (فولادوند).
- «... پس چشاندش خداوند جامه گرسنگی و ترس را بدان چه بودند می‌کردند» (معزی).
- «... و خداوند [به واسطه ناسپاسی‌شان] طعم گرسنگی و ترس و ناامنی را به آن‌ها چشاند» (صفارزاده).
- «... در نتیجه، خدا به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند، بلای گرسنگی و ترس فراگیر را به آنان چشاندید» (انصاریان).

- «... و سپس خداوند به کیفر کار و کردارشان بلای فراگیر گرسنگی و ناامنی را به آنان چشانید» (خرمشاهی).
- «... لباس گرسنگی و هراس را به آنان چشانید» (صادقی تهرانی).
- «... خدا هم به موجب آن کفران و معصیت، طعم گرسنگی و بیمناکی را به آنها چشانید و چون لباس سراپای وجودشان را پوشانید» (قمش‌ای).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

در این آیه برخی از مترجمان، مانند آیتی مفهوم آن را در ترجمه آورده‌اند، برخی نیز فعل «أذاق» را به معنای اصلی آن گرفته‌اند و آن را به لباس نسبت داده‌اند؛ مانند معزّی. ولی چشیدن لباس در فارسی، چنان‌که در ترجمه آمده، متداول نیست. برخی هم فعلی متناسب با «لباس» آورده‌است و از معنای اصلی «أذاق» دست کشیده‌اند؛ مانند مکارم شیرازی. برخی نیز از معنای اصل لباس دست کشیده، «أذاق» را به همان معنای اصلی آورده‌اند؛ مانند گرمارودی، فولادوند، صفارزاده، صادقی تهرانی، قمش‌ای، خرمشاهی، انصاری برخی نیز هر دو را توأمان آورده‌اند؛ مانند مشکینی.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

در این آیه، باید به معنای مستعاره آن توجه کرد، نه معنای مستعاره آن. لذا در بین ترجمه‌های فوق، به ترتیب ترجمه مکارم شیرازی معادل ترجمه معنایی استعاره را به منظور فهم مناسب تری برای فارسی‌زبانان در زبان مقصد بیان کرده‌است و صفارزاده، انصاریان و خرمشاهی ذیل این آیه به ترجمه تحت‌اللفظی همراه با اضافه‌های تفسیری ترجمه کرده‌اند که نسبت به ترجمه تحت‌اللفظی صرف (مثل گرمارودی، فولادوند، معزّی و صادقی تهرانی) که کلمه به کلمه ترجمه کرده‌اند، قابل فهم تر و رساتر است.

مشکینی از دو ترجمه تحت‌اللفظی و معنایی هم‌زمان بهره برده‌است که موجب طولانی شدن معنای جمله شده‌است و زیبایی ظاهری ترجمه را نیز خدشه‌دار کرده‌است.

☑ **ترجمه پیشنهادی:** ترجمه استعاره تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری: «خدا [اهالی] آن آبادی را به گرسنگی و بیم فراگیر دچار ساخت و طعم آن دو را به آنان چشانید».

۲-۲. ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ﴾ (البقره/۱۶).

□ تحلیل ادبی

واژه «اشترؤا» به معنای خریدن برای مبادله و جایگزینی و نیز برای انتخاب استعاره آورده شده‌است و به همراه آن، دو ویژگی مستعارمنه (اشترء)، یعنی ربح و تجارت ذکر شده‌است جامع نیز دستیابی به برترین و بیشترین فایده است که البته در قالب استعاره به نحوی بلیغ و محسوس از این معامله خسارت بار نفی شده‌است (ر.ک؛ همان و تفتازانی، ۱۴۱۱ ق: ۱۶۸).

○ ترجمه‌ها

- «آنان کسانی هستند که هدایت را به گمراهی فروخته‌اند و (این) تجارت آن‌ها سودی نداده و هدایت نیافته‌اند» (مکارم شیرازی).
- «آنها کسانی هستند که گمراهی را به بهای هدایت خریدند. پس نه تجارت شان سود داد و نه از ره یافتگان بودند» (مشکینی).
- «آنان همان کسانی که گمراهی را به (بهای) رهنمود خریدند و سودشان سودی نکرد و رهیافته نبودند» (گرمارودی).

- «همین کسانی که گمراهی را به [بهای] هدایت خریدند. در نتیجه، دادوستدشان سودی به بار [نیامورد و هدایت یافته نبودند]» (فولادوند).
- «آنند که خریدند گمراهی را به هدایت. پس نه سودمند شد سوداگری‌شان و نبودند راه‌یافتگان» (معزی).
- «[منافقان] گمراهی را به بهای از دست دادن نعمت هدایت خریده‌اند. از این رو، معامله و دادوستدشان بدان‌ها سودی نمی‌بخشد و نیز به راه راست هدایت نمی‌شوند» (صفارزاده).
- «آنند که گمراهی را به راه راست خریدند. پس تجارت ایشان سود نکرد» (قمشه‌ای).
- «اینان کسانی که گمراهی را به (عوض) هدایت خریدند. پس دادوستدشان سودی در بر نداشت و (آنان از) هدایت‌یافتگان نبوده‌اند» (صادقی تهرانی).
- «اینان کسانی هستند که گمراهی را به بهای راهیابی خریدند و سودای آنان سودی نکرد و راهیاب نشدند» (خرمشاهی).
- «آنان کسانی هستند که گمراهی را به جای هدایت خریدند. پس تجارتشان سود نکرد و از راه‌یافتگان (به سوی حق) نبودند» (انصاریان).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

ترجمه‌های بیان‌شده ذیل آیه ۱۶ سوره بقره، به دو نوع ترجمه از ترجمه‌های بیان‌شده تقسیم می‌گردد: ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه تحت‌اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری. از آنجا که این آیه به فارسی فهم می‌شود و مترجم در امر ترجمه استعاره می‌تواند معنای مستعارمنه آن را در نظر بگیرد، لذا همه مترجمان فوق در ترجمه خود به معنای مستعارمنه اهتمام داشته‌اند. مضاف بر این که آقایان معزی، فولادوند، گرمارودی، قمشه‌ای، صادقی تهرانی، خرمشاهی، مشکینی و مکارم شیرازی معادل لفظ «اشتراء» را در ترجمه خود آورده‌اند و به لفظ مستعارمنه توجه داشته‌اند (ترجمه تحت‌اللفظی) و ترجمه خانم

صفا زاده علاوه بر توضیحات داده شده، مطالبی اضافی دارد که به ترجمه تحت‌اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری نزدیک می‌شود.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

همان گونه که بیان شد، بهترین وجه برای ترجمه استعاره، ترجمه استعاره برابر یا معادل است. اما در بعضی از استعاره‌های زبان مبدأ، با برگرداندن آن به زبان مقصد، معنی واضح و استعاری دارد (مثل آیه مورد بحث)، لیکن می‌توان از بین ترجمه‌ها، ترجمه خانم صفا زاده را برگزید؛ چرا که با افزوده‌های تفسیری، معنای سلیس‌تر و استعاری در زبان مقصد برگردانده می‌شود.

☑ ترجمه پیشنهادی

در این استعاره، ترجمه استعاره تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری بسیار بجا و کارآمد است: «آنان کسانی هستند که به بهای [از دست دادن] هدایت، گمراهی را خریدند. پس تجارت ایشان سودی نکند و راه یافته نباشند».

۲-۳. ﴿فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (آل عمران/۲۱).

□ تحلیل ادبی

ترساندن از عذاب دردناک الهی به جای «انذار» با واژه «بشّرهم» بیان شده است، در حالی که بشارت به خبر شادی بخش اختصاص دارد. این استعاره را می‌توان به استهزا کردن مخاطب تفسیر کرد و یا برای تلمیح و بیان نمکین و باظرافت، عذاب دردناک الهی را برای کسانی دانست که به آیات الهی کافر می‌شوند (ر.ک؛ الزجّاج، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۲۳۹).

○ ترجمه‌ها

- «... و به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده!» (مکارم شیرازی).
- «... آن‌ها را به عذابی دردناک بشارت ده» (مشکینی).
- «... به عذابی دردناک نوید ده» (گرمارودی).
- «... آنان را از عذابی دردناک خبر ده» (فولادوند).
- «... پس آگهیشان ده به عذابی دردناک» (معزی).
- «... به عذابی دردناک بشارت ده» (صفارزاده).
- «... پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده» (انصاریان).
- «... آنان را از عذابی دردناک نوید ده» (صادقی تهرانی).
- «... از عذابی دردناک خبر ده» (خرمشاهی).
- «... آن‌ها را به عذاب دردناک بشارت ده (قمشه‌ای)

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

آقایان مکارم شیرازی، مشکینی، گرمارودی، قمشه‌ای، صادقی تهرانی، انصاریان و خانم صفارزاده به معنای مستعار^۱ توجه داشته‌اند و در برگردان این لفظ، معادل آن را در فارسی آورده‌اند؛ یعنی «بشارت دادن، نوید دادن» یا به عبارتی دیگر، از ترجمه تحت‌اللفظی استعاره سعی در کشف معنا کرده‌اند. ولی آقایان فولادوند، معزی و خرمشاهی به معنای مستعار^۲ آن و معادل معنی فارسی آن توجه داشته‌اند؛ یعنی «خبر دادن، آگاه کردن» که همان ترجمه استعاره معنایی است که به مفهوم و غایت جمله و کلمه نگاه کرده‌اند.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

در این ترجمه، لفظ «بشیرهم» مورد توجه است. در زبان عربی، چنین تعبیری بامعناست، ولی در زبان دیگر که این تعبیر به کار نرفته، بی‌معناست، چون در زبان فارسی، کسی را که در شرف عذابی شدید باشد، بشارت نمی‌دهند. پس مترجم یا باید از لفظ دور شود و معادل معنایی آن را بیاورد و یا استعاره‌ای برابر و معادل را برای ترجمه این استعاره بیان کند. آقایان مکارم شیرازی، مشکینی، گرمارودی، انصاریان، قمشه‌ای، صادقی تهرانی و خانم صفارزاده، ترجمه تحت‌اللفظی را بیان کرده‌اند که نسبت به زبان مقصد نوعی ابهام معنایی و غیرکاربردی است و معنای آیه را در خواننده بر نمی‌انگیزد. اما آقایان فولادوند، معزی و خرمشاهی ترجمه استعاره معنایی را برای فهمیدن معنی آیه دخیل کرده‌اند و به معنای مستعاره برای شفاف شدن معنی در نزد خواننده مقصد اشاره کرده‌اند.

پیش از این بیان شد که بهترین ترجمه استعاره همان ترجمه معادل و برابر است که موجب التذاذ سمعی، بصری و فهمی خواننده می‌شود، اما با وجود این، از بین این دو نوع ترجمه بیان‌شده (تحت‌اللفظی و ترجمه استعاره معنایی)، ترجمه آقایان فولادوند، معزی و خرمشاهی که ترجمه استعاره معنایی است، قابل فهم‌تر بوده، بیشتر معنی می‌دهد.

ترجمه استعاره معادل در زبان مقصد پایاپای با زبان مبدأ نیست؛ به عبارت دیگر، معادل‌های ترجمه استعاره در زبان مبدأ و زبان مقصد برابری و وجود یکسانی ندارد؛ چه بسا در زبانی دیگر برای بیان امری بتوان مطلب و بیانی را عنوان کرد که مردم آن زبان، آن را به راحتی بفهمند، ولی در زبان دیگر، معادل آن وجود نداشته‌است؛ مانند آیه پیشین که ترجمه‌ای معادل و برابر در زبان مقصد که فارسی باشد، وجود ندارد؛ پس در ترجمه این آیه، پیام نهایی و مفهوم غایی استعاره ذکر می‌شود (ترجمه معنایی).

☑ **ترجمه پیشنهادی:** ترجمه معنایی استعاره: «آنان [کافران و منافقان] را از عذاب دردناک خیر ده».

۲-۴. ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ﴾ (الأنبياء/۱۸).

□ تحلیل ادبی

در این آیه، «قذف» (کوبیدن) و «دمغ» (هلاک کردن) که هر دو امری حسّی هستند، برای حقّ و باطل که از امور عقلی و غیر حسّی شمرده می‌شوند، استعاره آورده شده‌اند. جامع نیز معدوم کردن و معدوم شدن است که امری عقلی به شمار می‌رود (ر.ک؛ ابن ابی‌الاصبح، ۱۳۶۸: ۲۱ و سیوطی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۹۶).

○ ترجمه‌ها

- «بلکه ما حق را بر سرِ باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد...» (مکارم شیرازی).
- «بلکه ما به سبب حق بر سرِ باطل می‌کوبیم تا به مغز او می‌رسد...» (مشکینی).
- «بلکه راستی را بر ناراستی می‌افکنیم که آن را درهم می‌شکند...» (گرمارودی).
- «بلکه حق را بر باطل فرومی‌افکنیم. پس آن را درهم می‌شکند...» (فولادوند).
- «بلکه می‌افکنیم حق را بر باطل تا تباه سازدش...» (معزی).
- «ما به وسیلهٔ حق، باطل را سرکوب می‌کنیم» (صفارزاده).
- «بلکه ما همیشه حق را بر باطل غالب و فیروز می‌گردانیم تا باطل را محو و نابود سازد...» (قمشه‌ای).
- «بلکه حق را بر باطل می‌کوبیم و آن را فرومی‌شکافد...» (خرمشاهی).
- «بلکه با (نیروی) حق بر باطل می‌افکنیم. پس بینی‌اش را به خاک می‌کشاند...» (صادقی تهرانی).

▪ «نه، بلکه (شأن ما این است که) با حق بر باطل می‌گوییم تا آن را درهم شکند (و از هم پاشد)...» (انصاریان).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

در این آیه، «قذف» (کوبیدن) و «دمغ» (هلاک کردن) که هر دو امری حسّی هستند، برای حق و باطل که از امور عقلی و غیرحسی شمرده می‌شوند، استعاره آورده شده‌اند. تمام مترجمان برای ترجمه این آیه نیز معنای مستعارمنه را در نظر گرفته‌اند که در فارسی نیز معنی دار و قابل فهم است، جز اینکه در ترجمه آقایان گرمارودی، صادقی تهرانی و فولادوند به جای کوبیدن، از واژه «افکندن» استفاده کرده‌اند. در ترجمه قمش‌ای، به مفهوم آیه دقت داشته و به غایت کوبیدن که فیروز و غالب شدن است، دقت داشته، آن را برای ترجمه برگزیده است.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

در ترجمه‌های بیان‌شده مترجمان، غیر از گرمارودی، صادقی تهرانی و فولادوند که ترجمه تحت‌اللفظی را برای ترجمه این آیه به کار برده‌اند، درست است که حق و باطل از امور عقلی و فراحسی محسوب می‌شود، اما چون انسان در عالم محسوسات سیر می‌کند، باید کلمات و معانی عقلی را در قالبی بین عالم حس و عقل به خواننده و مخاطب فهماند، خداوند متعال با نزدیک کردن دو عالم از ترکیب فعل‌های «قذف» و «دمغ» با حق و باطل، برای رساندن مفهوم و مرادش به کار برده‌است و این ترکیب نه تنها برای اعراب به کار رفته، بلکه برای غیرعرب نیز ترکیبی جز این نمی‌توان به کار برد. در نتیجه، در معنی این آیه باید به معنای تحت‌اللفظی دقت داشت که ذهن مخاطب را دچار چالش معنایی می‌کند و به دقت در خود آیه سوق می‌دهد. استعاره برابر و معادل در این آیه نمود فراوانی ندارد؛ چراکه معنای آیه به گونه‌ای است که در نزد مخاطبان زبان مبدأ و مخاطبان

زبان مقصد یک معنی و مفهوم دارد و هر دو در آشنایی به زبان عالم عقل و غیر محسوسات در یک ردیف قرار دارند. پس باید همان گونه که در زبان مبدأ بیان شده است، در زبان مقصد برگردانده شود. در این نوع استعاره که در هر دو زبان مبدأ و مقصد قابل فهم است، از روش ترجمه تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری استفاده می‌کنیم.

☑ ترجمه پیشنهادی: «بلکه ما [به وسیله] حق، باطل را فرومی‌افکنیم و [بی‌درنگ] باطل متلاشی و درهم می‌شکند».

۲-۵. ﴿وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُوسَى الْغَضَبُ﴾ (الأعراف/۱۵۴).

□ تحلیل ادبی

در این آیه، «خودداری از اظهار غضب و فرو خوردن آن» به «سکوت و نگه داشتن زبان از تکلم» تشبیه شده، آنگاه سکوت برای آن استعاره آورده شده است. جامع نیز امساک و خودنگهداری است. بنابراین، هر سه طرف استعاره، عقلی است (ر.ک؛ همان: ۲۳ و همان، ج ۲: ۹۶).

○ ترجمه‌ها

- «هنگامی که خشم موسی فرونشست...» (مکارم شیرازی).
- «و چون خشم از موسی فرونشست...» (مشکینی).
- «و چون خشم موسی فرونشست...» (گرمارودی).
- «و چون خشم موسی فرونشست...» (فولادوند).
- «و هنگامی که فرونشست از موسی خشم...» (معزی).

- «و چون خشم موسی فرونشست...» (صفارزاده).
- «و هنگامی که خشم موسی فرونشست...» (انصاریان).
- «و چون خشم موسی خاموش شد...» (خرمشاهی).
- «و چون غضب موسی فرونشست...» (قمشه‌ای).
- «و چون خشم از موسی فرونشست...» (صادقی تهرانی).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

در این آیه، معنای تحت‌اللفظی «سکت» متناسب با فهم زبان مقصد نیست و برای نزدیک شدن به زبان مخاطب باید به مفهوم آیه رجوع کرد. لذا همه مترجمان به غیر از خرمشاهی در ترجمه آیه بدین نکته توجه داشته‌اند و در ترجمه خود به لفظ مستعاره عنایت نموده‌اند و معنای «فرونشست» را جایگزین معنی اصلی «سکت» کرده‌اند.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

در استعاره‌ای که هر سه رکن آن عقلی است و یکی از ارکان آن حسی نیست، با توجه به ترجمه معنایی و تفسیری برگردان می‌شود. اما اگر یکی از سه رکن آن حسی آورده شده بود، در برگردان آن، می‌توان به ترجمه استعاری تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری رجوع کرد. البته شایسته ذکر است که در آیه مورد نظر، از آنجا که سه طرف ارکان آن عقلی است، بهترین ترجمه برای آن، ترجمه استعاره معنایی و ترجمه استعاره معادل و برابر است. آقایان مکارم شیرازی، مشکینی، گرمارودی، فولادوند، معزی، صادقی تهرانی، انصاریان، قمشه‌ای، خرمشاهی و خانم صفارزاده در برگردان آیه مورد اشاره به ترجمه معنایی «سکت» توجه داشته‌است و معنای مستعاره «فرونشست» را در

ترجمه خود نوشته‌اند و ترجمه چنین آیه‌ای به دلیل آوردن معنای مستعارله، رسا و بی‌اشکال است.

چنان که بیان شد، بهترین ترجمه استعاره، برگردان آن به معادل و برابر است که مترجم‌ها به این امر اهمیت نداده‌اند و این بی‌توجهی بدین دلیل است که تنها راه رساندن معنی از طریق ترجمه معنایی حاصل می‌شود و دیگر ترجمه‌ها، اعم از تحت‌اللفظی، تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری، معادل و برابر برای ترجمه این استعاره کارایی ندارد.

☑ ترجمه پیشنهادی: «و چون غضب موسی آرام یافت».

۶۲. ﴿وَأَيَّةٌ لَهُمْ أَلَيْلٌ نَسَلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ﴾ (یس/۳۷).

□ تحلیل ادبی

در این آیه، جدایی روز از شب به صورت استعاره با تعبیر «انسلاخ» آمده‌است؛ گویی لباس شب که همان تاریکی است، کنده می‌شود و روشنایی روز پدید می‌آید (ر.ک؛ هاشمی، ۱۳۶۷: ۳۱۷).

○ ترجمه‌ها

- «شب (نیز) برای آن‌ها نشانه‌ای است (از عظمت خدا). ما روز را از آن برمی‌گیریم...» (مکارم شیرازی).
- «و نشانه‌ای (دیگر، نشانه جوی، از توحید و قدرت خداوند) برای آن‌ها این شب است که روز را از آن (همانند لباسی) برمی‌کنیم...» (مشکینی).
- «و شب برای (پندگیری) آنان نشانه‌ای است که روز را از آن بیرون می‌کشیم...» (گرم‌رودی).

- «و نشانه‌ای [دیگر] برای آن‌ها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمی‌کنیم...» (فولادوند).
- «و آیتی برای ایشان شب است که برکنیم از آن روز را...» (معزی).
- «و برای منکران رستاخیز، شب نشانه دیگری از قدرت الهی است که روز را از آن بیرون می‌آوریم...» (صفارزاده).
- «و نشانه‌ای (دیگر) برای آن‌ها، (افق) شب است که روز را (مانند پوست) از آن برمی‌کنیم...» (صادقی تهرانی).
- «و برای آنان شب پدیده شگرفی است که روز را از آن جدا می‌سازیم...» (خرمشاهی).
- «و نشانه‌ای (از نشانه‌های قدرت و حکومت ما) برای آن‌ها، شب است که (پوشش) روز را از آن برمی‌کنیم...» (انصاریان).
- «و برهان دیگر برای خلق (در اثبات قدرت حق)، وجود شب است که ما چون پرده روز را از آن برگیریم...» (قمش‌ای).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

تعبیر «کندن روز از شب» در فارسی به کار برده نمی‌شود و با پیچیدگی معنایی روبه‌رو است. آقایان مشکینی، گرمارودی، فولادوند، صادقی تهرانی، انصاریان و معزی به معنی لفظی آن توجه داشته‌اند؛ یعنی «کندن روز از شب» که در زبان مقصد جایگاهی ندارد و آقای گرمارودی هم این فعل را به «بیرون می‌کشیم» ترجمه کرده‌اند. این تعبیر نیز هم از معنای اصلی دور است و هم در فارسی به کار نمی‌رود. آقای مکارم آن را به معنای «برمی‌گیریم» ترجمه کرده‌است که نسبت به دو معنای پیشین وضعیت معنایی بهتری را ایفا می‌کند، اما هنوز اُنس معنایی خوبی را حمل نمی‌کند و خانم صفارزاده آن را با معنای «بیرون می‌آوریم» ترجمه کرده‌است که هم مفهوم آیه را می‌رساند و هم در فارسی

نامأنوس نیست و در پایان، خرمشاهی و قمشه‌ای با ترجمه تحت‌اللفظی به همراه افزوده‌های تفسیری که جلوه تشبیه را در آن پررنگ کرده‌اند، آن را به «چون پرده روز» تشبیه کرده‌اند و آن را در آیه ترجمه کرده‌اند.

○ نتیجه ارزیابی ترجمه‌ها و نقد آن

بر اساس نظریه استعاری پیترومارک که جامع نظرات در این زمینه است، مترجمان این آیه را در قالب‌های تحت‌اللفظی (مکارم شیرازی، معزی، گرمارودی و خرمشاهی)، تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری (مشکینی، فولادوند و صادقی تهرانی) و نیز معنایی (صفارزاده و قمشه‌ای) ترجمه کرده‌اند. در بین این مترجمان، تنها خانم صفارزاده است که به پیام نهایی و غایی آیه را در نظر داشته‌است و معنای مستعاره را به کار برده‌است، اما دیگر مترجمان تنها به معنای مستعاره همراه با افزوده‌های تفسیری توجه داشته‌اند که معنای سلیس و واضحی را در زبان مقصد ایفا نمی‌کند. بنابراین، می‌توان گفت بهترین روش برای ترجمه در این آیه، توجه به معنای غایی و نهایی آیه است که موجب سلیس شدن معنی آیه و رساندن پیام آن می‌شود که خانم صفارزاده به این مهم دست یافته‌اند.

☑ **ترجمه پیشنهادی:** «شب برای آنان [کافران و منکران رستاخیز] نشانه و عبرتی است که از آن روز را بیرون می‌آوریم.

۲-۷. ﴿وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَّمَاءُ أَفْلَعِي﴾ (هود/ ۴۴).

□ تحلیل ادبی

در این آیه، نخست زمین و آسمان به دو موجود عاقل تشبیه و به آن‌ها خطاب شده‌است. سپس «ابلاغ» به معنای «بلعیدن» برای فروبردن آب استعاره آورده شده‌است و به زمین فرمان داده شد که همه آب‌های روی خود را (پس از طوفان نوح) ببلعد (به جای آنکه گفته شود: فروبرد). همچنین، «اقلاع» به معنای «کنندن» برای برطرف کردن ابر از

صفحه آسمان و بازایستادن از بارش استعاره آورده شده است و به آسمان امر شده که همه ابرهای خود را بکند (به جای اینکه گفته شود: برطرف کن). شیوایی و بلاغت این تعبیر نیز در سرعت فروکش کردن آب در زمین و برطرف شدن ابرها در آسمان به یکباره و با سرعت است (ر.ک؛ شریف‌الرضی، بی تا: ۱۶۱-۱۶۲).

○ ترجمه‌ها

- «و گفته شد: ای زمین، آبت را فروبر! و ای آسمان، خودداری کن!...» (مکارم شیرازی).
- «و (پس از غرق کافران طبق اراده حتمی خدا) گفته شد: ای زمین، آب خود فروبر و ای آسمان (از ریزش خود) بازایست...» (مشکینی).
- «و گفته شد: ای زمین، آبت را فروخور و ای آسمان (از باریدن) بازایست!...» (گرمارودی).
- «و گفته شد: ای زمین! آب خود را فروبر و ای آسمان، [از باران] خودداری کن...» (فولادوند).
- «و گفته شد: ای زمین، فروخور آب خویش را و ای آسمان بس کن...» (معزی).
- «و با کلام امر، فرموده شد: ای زمین، آب‌های خود را فروکش کن و ای آسمان باران نبار!...» (صفا زاده).
- «و گفته شد: ای زمین، آب خود را فروبر و ای آسمان، آبت را از (بیخ و بن) برکن...» (صادقی تهرانی).
- «و گفته شد: ای زمین، آبت را فروبر و ای آسمان، (بارانت را) را فروبند...» (خرم‌شاهی).

- «و به زمین خطاب شد که ای زمین، فوراً آب خود را فروبر، و به آسمان امر شده که باران را قطع کن...» (قمشه‌ای).
- «و (پس از هلاک شدن کافران) گفته شد: ای زمین، آب خود را فروبر و ای آسمان (از ریختن باران) بازایست...» (انصاریان).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

در برگرداندن این استعاره به فارسی، مترجمان آن را به دو معنای «فروبر» و «فروخور» معنی کرده‌اند و از معنای اصلی آن، «بلعیدن» به معنای مستعارله آن، یعنی «فروبردن» رجوع کرده‌اند. در این میان، آقایان مکارم شیرازی، مشکینی، فولادوند، خرمشاهی، انصاریان، قمشه‌ای و صادقی تهرانی آن را به «فروبر» معنی کرده‌اند و معزی و گرمارودی «فروخور» را در ترجمه خود ذکر کرده‌اند و خانم صفارزاده آن را «فروکش کن» ترجمه کرده‌است. ذیل این آیه مکارم شیرازی، مشکینی، فولادوند، خرمشاهی، انصاریان، قمشه‌ای، صادقی تهرانی و خانم صفارزاده در ترجمه «البعی» معنای مستعارله آن، یعنی «فروبر» و «فروکش کن» را در ترجمه برگردانده‌اند و معزی و گرمارودی به معنای مستعارمنه، یعنی «بلعیدن» و «فروخور» در ترجمه تحت‌اللفظی خود برگردانده‌اند.

○ نتیجه ارزیابی ترجمه و نقد آن‌ها

چنان‌که پیش‌تر بیان شد، ملاک ارزیابی در ترجمه استعاره، برگرداندن آن از زبان مبدأ به زبان مقصد با حفظ بلاغت و معنا در ترجمه است که بهترین ترجمه برای رساندن این هدف، ترجمه استعاره به استعاره معادل و برابر است و این در شرایطی است که هم‌پای تعبیر استعاری در زبان مبدأ، همان تعبیر با استعاره متداول در زبان مقصد باشد و در صورت نبود چنین پایایی، مترجم بر اساس استعاره به کار رفته، باید یا ترجمه استعاره معنایی و یا استعاره تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری را انتخاب کند. در آیه مذکور،

مترجمان نامبرده آن را در دو روش تحت‌اللفظی و معنایی برگردانده‌اند که از دو ترجمه یادشده، در وهله اول بهترین ترجمه از آن خانم صفارزاده است، چون به معنای دقیق متناسبی با زبان مقصد اشاره کرده‌اند و به مفهوم و معنای استعاره توجه داشته‌است. همچنین، آقایان مکارم شیرازی، مشکینی، فولادوند، خرمشاهی، انصاریان، قمشه‌ای و صادقی تهرانی در ترجمه خود به لفظ مستعارله، یعنی معنای استعاره توجه داشته‌اند که در انتخاب واژه مناسب بعد از خانم صفارزاده قرار دارند و این نسبت به ترجمه معزّی و گرمارودی که به لفظ مستعارمنه (ترجمه تحت‌اللفظی) یعنی «فروخور» توجه داشته‌اند؛ چراکه رسیدن به مراد آیه مقبولیت بیشتری در ذهن مخاطب دارد.

☑ **ترجمه پیشنهادی:** ترجمه استعاره تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری: «فرمان الهی رسید که ای زمین، آبت را - که بیرون داده‌ای - ببلع [فروبیر] و ای آسمان - تو نیز از باریدن - بازایست».

۲-۷. ﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾ (الإسراء/۲۴).

□ تحلیل ادبی

در این آیه، برای فروتنی و تواضع در برابر پدر و مادر با تعبیر «اخْفِضْ جَنَاحَ» استعاره آمده که به معنای این است که پرنده بال‌هایش را در برابر جوجه‌های خود بگستراند.

○ ترجمه‌ها

▪ «و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر!...» (مکارم شیرازی).

▪ «و از روی مهربانی در برابر آن‌ها بال‌های خضوع و ذلت فرود آر...» (مشکینی).

▪ «و از سر مهر برای آنان به خاکساری افتادگی کن...» (گرمارودی).

- «و از سرِ مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر...» (فولادوند).
- «و فروخوابان برای آنان بال فروتنی را از مهر...» (معزی).
- «نسبت به آن‌ها از سرِ ارادت و محبت تواضع داشته باش...» (صفارزاده).
- «و برای هر دو از روی مهر و محبت بال فروتنی فرود آر...» (انصاریان).
- «و از سرِ رحمت، بال فروتنی بر (سر و سامان) ایشان بگستران...» (صادقی تهرانی).
- «و بر آنان بال فروتنی مهرآمیز بگستر...» (خرمشاهی).
- «و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران...» (قمشهای).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

آقایان مکارم شیرازی، مشکینی، فولادوند، خرمشاهی، انصاریان، قمشه‌ای، صادقی تهرانی و معزی در ترجمه این آیه به معنای مستعارانه توجه داشته‌اند و از روش‌های هفت‌گانه نیومارک، به روش تحت‌اللفظی برای برگردان این آیه توجه داشته‌اند. آقای گرمارودی و خانم صفارزاده به مستعارانه محذوف در جمله توجه داشته‌اند و روش استعاره معنایی یا مفهومی را در ترجمه خود آورده‌اند. در زبان فارسی، این استعاره بدین شکل به کار برده نشده است. در نتیجه، برای اینکه انس بین متن قرآنی و خواننده ایجاد شود، باید متناسب با زبان مقصد و به روش معنایی ترجمه شود که در بین مترجمان، فولادوند و صفارزاده از این روش بهره برده‌اند.

○ نتیجه ارزیابی ترجمه‌ها و نقد آن‌ها

در این آیه، مترجمان به دو نوع ترجمه توجه داشته‌اند: ۱- تحت‌اللفظی (مکارم شیرازی، مشکینی، فولادوند، خرمشاهی، انصاریان، قمشه‌ای، صادقی تهرانی و معزی). ۲-

معنایی (فولادوند و صفارزاده). با توجه به اینکه مستعارُمنه آیه در زبان مقصد استعمال ندارد، مترجمان باید در ترجمه به مستعارُله محذوف برای سلیس شدن ترجمه توجه داشته باشند و آن را ترجمه کنند که آقای فولادوند و خانم صفارزاده به شایستگی از عهده این مهم برآمده‌اند.

☑ **ترجمه پیشنهادی:** ترجمه استعاره به تشبیه با افزوده‌های تفسیری: «(و در مقام نیکی و شفقت به آن‌ها) تواضع و خضوع نسبت به آن‌ها را مانند مرغی که بال خود را در موقع فرود آمدن یا چسباندن جوجگان خویش به خود جمع می‌کند، نسبت به آن‌ها بال مذلت و تواضع را بگسترانی».

۸۲. ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ﴾ (الإسراء/۲۹).

□ تحلیل ادبی

در این آیه، برای بخل و انفاق نکردن و نیز احسان، تعبیر «بسته شدن دست‌ها به گردن» استعاره آمده‌است؛ گویا کسی که انفاق نمی‌کند و دست‌دهنده ندارد، دستانش به گردنش بسته شده‌است.

○ ترجمه‌ها

- «هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن (و ترک انفاق و بخشش منما)»... (مکارم شیرازی).
- «و دستت را بسته به گردن خود قرار مده (در انفاق و اجبات بخل نوز)»... (مشکینی).
- «و (هنگام بخشش) نه دست خود را فروبند...» (گرمارودی).
- «و دستت را به گردنت زنجیر مکن...» (فولادوند).

- «و نگردان دستت را بسته به گردنت...» (معزی).
- «دستت را بسته و بی سخاوت ندار...» (صفارزاده).
- «و نه هرگز دست خود (در احساس به خلق) محکم به گردنت بسته دار...» (قمش‌های).
- «و دستت را (از شدت بخل) برگردنت میند...» (خرمشاهی).
- «و دستت را به گردنت زنجیروار منه...» (صادقی تهرانی).
- «و دستت را بخیلانه بسته مدار (که از انفاق در راه خدا بازمانی)...» (انصاریان).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

مترجمان نامبرده آیه فوق را در چهار قالب تحت‌اللفظی، تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری، معنایی و استعاره به تشبیه ترجمه کرده‌اند. آقایان معزی، صادقی تهرانی و فولادوند لفظ مستعارمنه را در ترجمه برگردانده‌اند که ذیل ترجمه تحت‌اللفظی جای می‌گیرد. آقای مکارم شیرازی، انصاریان، خرمشاهی و مشکینی در ترجمه خود به لفظ مستعارمنه همراه با افزوده‌های تفسیری با هدف ایضاح و روشنی بخشی به سخن توجه داشته‌اند که ذیل ترجمه تحت‌اللفظی استعاره با افزوده‌های تفسیری است. گرمارودی در ترجمه خود به لفظ مستعارله دقت داشته، معنا و مفهوم آیه را بیان کرده‌است؛ یعنی همان ترجمه معنایی. صفارزاده در ترجمه این استعاره، طرفین تشبیه را آورده‌است؛ یعنی مستعارمنه و مستعارله را در ترجمه خود برگردانده‌اند که ذیل ترجمه استعاره به تشبیه جای می‌گیرد.

○ نتیجه ارزیابی ترجمه‌ها و نقد آنها

ملاک برتری ترجمه‌ها پابندی به بلاغت و سلیس کردن آن به زبان مقصد است که در صورت وجود داشتن ترجمه معادل و برابر بهترین ترجمه برای پابندی به

بلاغت و انتقال معنا محسوب می‌شود، ولی از میان مترجمان نامبرده، کسی به این نوع ترجمه نظر نداشته‌است. بر اساس ملاک بیان‌شده، ترجمه تحت‌اللفظی فولادوند، صادقی‌تهرانی و معزی به علت دور شدن از انتقال سریع و سلیس معنای آیه و نداشتن بلاغت پایاپای مرتبه پایینی دارد. بر ترجمه مکارم شیرازی، انصاریان، خرمشاهی و مشکینی نیز همین نقد وارد است، با این تفاوت که آنان به افزوده‌های تفسیری برای انتقال معنای آیه به مخاطب توجه بیشتری داشته‌اند و ترجمه آن‌ها نسبت به ترجمه تحت‌اللفظی در درجه بالاتری قرار دارد. با توجه به این نکته، صفارزاده نیز در ترجمه خود، مستعارم‌نه و مستعارله را که طرفین تشبیه هستند، بیان داشته‌است و سعی در حفظ بلاغت آیه با معنای درست مستعارم‌نه (دست را بسته) و انتقال درست و سلیس معنا با توجه به بیان مستعارله (بی‌سختی ندارد) ترجمه خوبی را به مخاطب آورده‌است. گرمارودی هم تنها به لفظ مستعارله توجه داشته‌است و معنا و مفهوم آیه را برگردانده‌است. البته باید گفت که هر آیه‌ای را بر اساس دشواری و آسانی استعاره به کاررفته در آیه باید ترجمه کرد؛ یعنی در هر آیه باید بر اساس دشواری و آسانی استعاره، ترجمه استعاری مناسبی از هفت روش نیومارک انتخاب کرد. در این آیه، ترجمه صفارزاده، ترجمه استعاره به تشبیه نسبت به دیگر ترجمه‌ها مقبول‌تر است و در ردیف بعدی، ترجمه معنایی و در پایان، ترجمه تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری جای دارند.

☑ **ترجمه پیشنهادی:** خانم صفارزاده به روش استعاره به تشبیه ترجمه خوبی را بیان داشته‌اند و راقم این سطور نیز آیه را این گونه به روش استعاره به تشبیه با افزوده‌های تفسیری ترجمه می‌کند: «دست را در [انفاق و بخشش] بر گردن خویش میند و بخل موز».

- [انفاق و بخشش]: افزوده‌های تفسیری.

- بخل موز: مستعارله.

- بر گردن خویش میند: مستعارم‌نه.

۹-۲. ﴿...سَمِعُوا لَهَا شَهيقاً وَ هِيَ تَفُور﴾ (الملک / ۷).

□ تحلیل ادبی

در اینجا کلمه «شهیق» که در اصل به معنای «آواز خران» است، به صورت استعاره درباره صدای ناهنجار «اهل عذاب در جهنم» به کار برده شده است.

○ ترجمه‌ها

- «... صدای وحشتناکی از آن می‌شنوند و این در حالی است که پیوسته می‌جوشد!» (مکارم شیرازی).
- «... از آن صدای دلخراش فروکشیدن نَفَس بشنوند، در حالی که پیوسته در جوش و فوران است» (مشکینی).
- «... فریادی از آن (دوزخ) می‌شنوند، در حالی که برمی‌جوشد» (گرمارودی).
- «... از آن خروشی می‌شنوند، در حالی که می‌جوشد» (فولادوند).
- «... در آن بشنوند برایش دمیدنی (یا خروشی) و آن است جوشان» (معزی).
- «... صدایی شبیه عرعر گوش خراش خران از آن دیگ جوشان می‌شنوند» (صفارزاده).
- «... از آن در حالی که در جوش و فوران است، صدایی هولناک و دلخراش می‌شنوند» (انصاریان).
- «... از آن خروشی (خراش‌دار) می‌شنوند، در حالی که زبانه می‌کشد» (صادقی تهرانی).
- «... نعره آن را می‌شنوند و آن برمی‌جوشد» (خرم‌شاهی).
- «... فریاد منکری چون شهیق خران از آتش چون دیگ جوشان می‌شنوند» (قمشه‌ای).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

در ترجمه‌های مذکور، سه روش ترجمه استعاره وجود دارد: معنایی، تحت‌اللفظی، و تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری. مکارم شیرازی، مشکینی، گرمارودی، صادقی‌تهرانی، انصاریان و فولادوند به معنا و غایت آیه توجه داشته‌اند و در ترجمه «شهیق» به هدف کلمه دقت کرده‌اند و معانی «دل‌خراش»، «خروش»، «صدای وحشتناک و زیاد» را برای ایفاد معنای مورد نظر آیه برگزیده‌اند. معزی و خرمشاهی آیه را تحت‌اللفظی ترجمه کرده‌اند که معنای آیه چندان مطلوب خواننده در فهم آیه و رسیدن به مقصود خداوندی نیست. صفارزاده و قمشه‌ای روش تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری بهره برده‌اند که روش ترجمه آن‌ها نسبت به روش تحت‌اللفظی جایگاه بالاتری در رساندن معنا و بلاغت آیه دارد.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

در میان ترجمه‌ها، ترجمه معزی و خرمشاهی به سبب نگاه تحت‌اللفظی به آیه موجب نارسایی در معنا و منعکس نکردن بلاغت آیه می‌شود. دیگر مترجمان در ترجمه کلمه «شهیق» و استعاره مورد نظر به معنای غایی و نهایی آیه توجه داشته‌اند که در رسایی معنای آن نسبت به روش تحت‌اللفظی، این نوع ترجمه رساتر و بار امانت معنایی را بهتر منتقل می‌کند. در ترجمه این آیه، صفارزاده و قمشه‌ای کلمه «شهیق» را به روش تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری در لفظ و معنا به کار برده‌اند. این نوع ترجمه استعاره را به همان صورت اصلی همراه با افزوده‌های تفسیری و با هدف ایضاح و روشنی‌بخشی به سخن و رفع ابهام در انتقال معنای «شهیق» به کار برده که ترجمه رساتری است.

☑ **ترجمه پیشنهادی:** «صدایی مثل عرعر و وحشتناک و گوش‌خراش‌خران را می‌شوند، در حالی که پیوسته در جوش و فوران است».

۲-۱۰. ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ...﴾ (البقره/۲۷).

□ تحلیل ادبی

در اینجا، «عهد و پیمان» به «ریسمان» تشبیه شده است. سپس مشبّه به (ریسمان) حذف و مشبّه (عهد) در جمله ذکر شده است. آنگاه یکی از ویژگی‌های ریسمان (بنقضون: نقض و بریدن) به عنوان دلیل و قرینه بر آن تشبیه مضمّر در نفس در جمله ذکر شده است. لذا استعاره از نوع بالکنایه است. حال اثبات نقض و بریدن برای عهد و پیمان، استعاره تخیلیه نام دارد؛ زیرا نقض در واقع، به ریسمان اختصاص دارد و برای عهد و پیمان استعاره آورده شده است و چنین به خیال می‌اندازد که عهد و پیمان از جنس ریسمان است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۶۵).

○ ترجمه‌ها

- «همان کسانی که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می‌شکنند و رشته‌هایی را که خدا به پیوند آن امر کرده است [مانند رابطه با انبیاء، امامان و ارتباط با خویشان] می‌گسلند...» (مکارم شیرازی).
- «همان‌هایی که پیمان خدا را پس از محکم کردنش می‌شکنند (با احکام خدا پس از ثبوت آن به نقل و عقل مخالفت می‌کنند) و آنچه را که خدا فرمان داده وصل شود (مانند رابطه با ارحام، معصومان و دین) قطع می‌کنند...» (مشکینی).
- «همان کسان که پیمان با خداوند را پس از بستن آن می‌شکنند و چیزی را که خداوند فرمان به پیوند آن داده است، می‌گسلند...» (گرمارودی).

- «همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده، می‌گسلند...» (فولادوند).
- «آنان که بشکنند پیمان خدا را پس از بستنش و بپزند آنچه را که خدا دستور پیوندش داده...» (معزی).
- «[نافرمانان] کسانی هستند که پس از عهد با خداوند عهدشکنی می‌کنند و پیوندهایی را که خداوند به برقراری آن‌ها امر فرموده‌است، قطع می‌کنند...» (صفارزاده).
- «کسانی که عهد خدا را پس از محکم بستن می‌شکنند و رشته‌ای را که خدا امر به پیوند آن کرده می‌گسلند...» (قمشه‌ای).
- «کسانی که پیمان خدا را پس از بستنش می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوندش امر فرموده می‌گسلند...» (صادقی تهرانی).
- «آنان کسانی هستند که پیمان خدا را (که توحید، وحی و نبوت است) پس از استواری‌اش (با دلایل عقلی و علمی و نیز براهین منطقی با عدم وفای به آن) می‌شکنند و آنچه را خدا پیوند خوردن به آن را فرمان داده‌است (مانند پیوند با پیامبران و کتاب‌های آسمانی و اهل بیت طاهرین و خویشان) قطع می‌نمایند...» (انصاریان).
- «کسانی که پیمان خداوند را پس از بستنش می‌شکنند و آنچه خداوند به پیوستن آن فرمان داده‌است، می‌گسلند...» (خرم‌شاهی).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

در این آیه معنای تحت‌اللفظی «نقض» متناسب با فهم زبان مقصد است و مفهوم جدا شدن بین دو چیز را به خوبی بیان می‌کند. لذا همه مترجمان به معنای مفهومی کلمه «نقض» توجه کرده‌اند.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

در آیه فوق، چنان که گفته شد، عهد و پیمان به ریسمان تشبیه شده است و از جمله ویژگی‌های ریسمان این است که دو مسیر یا دو نفر را به هم وصل می‌کند و اگر بریده شود، بین آن دو چیز یا دو نفر فاصله ایجاد می‌شود و عهد و پیمان نیز ارتباط بین خدا و بنده یا دو نفر است که اگر شکسته شود، باعث جدایی و فاصله افتادن بین آن دو نفر می‌شود. بنابراین، بهتر است برای ترجمه این آیه از معنای تحت‌اللفظی «گسستن» استفاده کرد تا به این نکته پی برده شود که اگر ریسمانی گسست، فاصله‌ای ایجاد می‌شود. این در حالی است که همه مترجمان از ترجمه مفهومی این کلمه (شکستن) استفاده کرده‌اند.

☑ **ترجمه پیشنهادی:** «همان کسان که پیمان با خداوند را پس از بستن آن می‌گسلند و چیزی را که خداوند فرمان به پیوند آن داده است، قطع می‌کنند».

۱۱-۲. ... مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ... (البقره/۲۱۴).

□ تحلیل ادبی

در این آیه شریفه، لفظ «مَسَّ = لمس کردن» که در اصل برای اجسام کاربرد دارد، برای دست و پنجه نرم کردن با سختی و تحمل (مستعاره) استعاره آورده شده است و جامع نیز عبارت است از «لحوق»، یعنی درک جسم لمس شده (در مستعاره) و درک رنج و سختی (در مستعاره)، و در این استعاره، جامع و مستعاره عقلی‌اند، ولی مستعاره (لمس کردن اجسام) حسی است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۶۰).

○ ترجمه‌ها

▪ «... همانان که گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها به آن‌ها رسید...م (مکارم شیرازی).

▪ «... آن‌ها را زیان‌های مالی و بدنی رسید...» (مشکینی).

- «... به آنان سختی و رنج رسید...» (گرمارودی).
- «... آنان دچار سختی و زیان شدند...» (فولادوند).
- «... که بدیشان رسید پریشانی و رنجوری...» (معزی).
- «... گرفتاری‌ها و سختی‌ها گذشتگان را چنان فراگرفت...» (صفارزاده).
- «... که تنگدستی و ناخوشی به آنان رسید...» (خرمشاهی).
- «... آنان دچار بسی سختی و زیان شدند...» (صادقی تهرانی).
- «... که بر آنان رنج و سختیها رسید...» (قمشه‌ای).
- «... به آنان سختی‌ها و آسیب‌هایی رسید...» (انصاریان).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

همه مترجمان به معنای مستعاره کلمه «مس» توجه داشته‌اند و برای بیان مفهوم خود از معنای مستعاره این کلمه چشم‌پوشی کرده‌اند تا از این طریق بتوانند حق این کلمه را به‌خوبی ادا کنند، جز مشکینی که معنای تحت‌اللفظی و مفهومی را کنار هم آورده‌است؛ چرا که زیان‌های مالی که قابل لمس کردن است، با معنای مستعاره «تحت‌اللفظی» و زیان‌های بدنی که همان روبه‌رو شدن با سختی‌هاست، با معنای مستعاره «درک کردن» همخوانی دارد و خانم صفارزاده این کلمه را به صورت مفهومی همراه با افزوده تفسیری (تأکید بر نازل شدن عذاب) ترجمه کرده‌است.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

در آیه فوق، هدف بیان سختی‌ها و رنج‌هایی است که افراد درک می‌کنند و با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند. بنابراین، بهتر است که به معنای مفهومی «مستعاره» کلمه «مس» و نه

معنای تحت اللفظی آن توجه شود. همه مترجمان به معنای مفهومی این کلمه توجه کرده‌اند، جز مشکینی که به هر دو معنای مفهومی و تحت اللفظی آن توجه کرده‌است.

☑ **ترجمه پیشنهادی:** «به آنان شدت و سختی رسید».

۱۱-۲. ﴿فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ (الحجر / ۹۴).

□ تحلیل ادبی

(فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ) در این آیه شریفه، لفظ (صَدَع) به معنای «شکستن»، امری حسی است که برای تبلیغ دین، یعنی امری عقلی استعاره آورده شده‌است و جامع در اینجا عقلی است و آن عبارت است از تأثیر (تأثیر شکستگی در شیشه و تأثیر تبلیغ در دل‌های مخاطبان). به کار بردن واژه «صدع» به صورت استعاره برای تبلیغ رساتر است از اینکه واژه «بَلَّغ» به کار رود. با این حال، هر دو به یک معناست، به دلیل اینکه تأثیر «صدع» و شکستن از تأثیر تبلیغ بیشتر است؛ زیرا تبلیغ گاهی در دل مخاطب اثر نمی‌گذارد (ر.ک؛ سیوطی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۶۱)، ولی شکستن قطعاً تأثیر می‌گذارد و شکستگی را ایجاد می‌کند.

○ ترجمه‌ها

- «آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن و از مشرکان روی گردان (و به آن‌ها اعتنا نکن)» (مکارم شیرازی).
- «پس آنچه را که بدان امر می‌شوی، آشکارا بیان کن و از مشرکان روی برتاب» (مشکینی).
- «از این روی، آنچه فرمان می‌یابی، آشکار کن و از مشرکان روی بگردان» (گرمارودی).
- «پس آنچه را بدان مأموری، آشکار کن و از مشرکان روی برتاب» (فولادوند).

- «پس بانگ درده بدانچه مأمور شدی و روی برگردان از شرک‌ورزان» (معزی).
- «پس [ای پیامبر،] آشکارا مأموریت خود را ابلاغ کن [از آن‌ها بیم نداشته باش] و از مشرکان به شدت روی گردان باش» (صفارزاده).
- «پس آنچه را به آن مأموری، اظهار کن و از مشرکان روی بگردان» (انصاریان).
- «پس تو آشکارا آنچه مأموری، (به خلق) برسان و از مشرکان روی بگردان» (قمشه‌ای).
- «پس به آنچه (بدان) مأمور می‌شوی، روی آور و از مشرکان روی بگردان» (صادقی تهرانی).
- «پس آنچه دستور یافته‌ای، آشکار کن و از مشرکان روی بگردان» (خرمشاهی).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

همه مترجمان از معنای مفهومی (مستعارله) کلمه «فَأَصْدَع» استفاده کرده‌اند و صفارزاده از معنای مفهومی همراه با افزوده تفسیری استفاده کرده‌است.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

چنان‌که در تحلیل گفته شد، معنای اصلی کلمه «فَأَصْدَع» شکستن است، اما در زبان فارسی، وقتی بخواهیم برای تبلیغ و آشکار کردن امر دین و مسائل دیگر فعلی را به کار ببریم، باید به صورت آشکار و ابلاغ کردن و... آن را به کار برد، نه به معنای شکستن. بنابراین، در این آیه، معنای تحت‌اللفظی «فَأَصْدَع» متناسب با فهم زبان مقصد نیست، ولی معنای مفهومی این کلمه متناسب با زبان مقصد است و همه مترجمان به این نکته مهم توجه داشته‌اند و معنای مفهومی را آورده‌اند و خانم صفارزاده از معنای مفهومی همراه با افزوده تفسیری استفاده کرده که بهترین نوع ترجمه در این آیه است.

☑ **ترجمه پیشنهادی:** «پس [ای پیامبر،] مأموریت خود را آشکارا ابلاغ کن [از کافران ذره‌ای بیم نداشته باش].»

۱۲-۲. ﴿... فَوَجَدَا فِيهَا جِدَاراً يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَاقَامَهُ...﴾ (الکھف / ۷۷).

□ تحلیل ادبی

در این آیه شریفه، انحراف و کج شدن دیوار که در شرف فرو ریختن است، به انسانی تشبیه شده که می‌خواهد بیفتد. سپس مشبّه‌به (انسان بااراده) حذف و یکی از لوازم وی که (اراده) باشد، در جمله ذکر شده است. در هر یک از مثال‌هایی که گذشت، استعاره از نوع بالکنایه است؛ زیرا مشبّه‌به در آن‌ها حذف و مشبّه ذکر شده است. از سویی، قرینه استعاره مکنیه را استعاره تخیلیه نامند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۶۶). اثبات «اراده» برای دیوار «استعاره تخیلیه» نامیده می‌شود.

○ ترجمه‌ها

- «... (با این حال) در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرویزد...» (مکارم شیرازی).
- «... پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرویزد...» (مشکینی).
- «... سپس دیواری در آن (شهر) یافتند که می‌خواست فروافتد...» (گرمارودی).
- «... پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرویزد...» (فولادوند).
- «... پس دریافتند آن دیواری را که می‌خواست فرویزد...» (معزی).
- «... ناگهان در آنجا متوجه دیواری شدند که داشت فرومی‌افتاد...» (صفارزاده).
- «... سپس دیواری را دیدند که می‌خواست فرویزد. (خضر) آن را برپاداشت...» (خرمراهی).

- «... پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فروریزد. آن را استوار کرد...» (صادقی تهرانی).
- «... در (نزدیکی دروازه آن) شهر به دیواری که نزدیک به انهدام بود، رسیدند و آن عالم به استحکام و تعمیر آن پرداخت...» (قمش‌ای).
- «... پس در آن شهر دیواری یافتند که می‌خواست فروریزد. پس او آن را (به گونه‌ای) استوار کرد (که فرونریزد)...» (انصاریان).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

آقایان مکارم شیرازی، مشکینی، فولادوند، انصاریان، خرمشاهی، صادقی تهرانی و معزّی به صورت تحت‌اللفظی (مستعارُمنه) و آقای گرمارودی، قمش‌ای و خانم صفارزاده به صورت مفهومی (مستعارُله) این کلمه توجه کرده‌اند.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

در این آیه، باید به معنای مستعارُمنه آن توجه کرد، نه مستعارُله آن. لذا در بین ترجمه‌های فوق به ترتیب ترجمه مکارم شیرازی، مشکینی، فولادوند، انصاریان، خرمشاهی، صادقی تهرانی و معزّی به ترجمه تحت‌اللفظی (مستعارُمنه) کلمه توجه کرده‌اند، ولی آقای گرمارودی، قمش‌ای و خانم صفارزاده به ترجمه مفهومی (مستعارُله) کلمه توجه کرده‌اند.

☑ ترجمه پیشنهادی: «ناگهان در آنجا متوجه دیواری شدند که داشت فرومی‌ریخت».

۱۳-۲. ﴿...لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...﴾ (الطلاق/۱۱).

□ تحلیل ادبی

در آیه فوق، «ظلمات» و «نور» برای ضلالت و هدایت استعاره آورده شده است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۶۳).

○ ترجمه‌ها

- «... تا کسانی را که ایمان آورده، کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور خارج سازد!...» (مکارم شیرازی).
- «... تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، به سوی روشنایی، از تیرگی‌ها بیرون آورد...» (مشکینی).
- «... تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و عمل‌های شایسته کرده‌اند، از تاریکی‌ها (ای شرک، کفر، فسق و فساد جامعه) به سوی نور (هدایت و توحید) بیرون آورد...» (گرمارودی).
- «... تا کسانی را که ایمان آورده، کارهای شایسته کرده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون برد...» (فولادوند).
- «... تا برون آورد آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی...» (معزی).
- «... تا مسلمانان نیکوکار را که قابلیت و استعداد دارند، از تاریکی‌های جهل، تردید و ابهام [نجات دهد و به روشنایی هدایت و ایمان عمیق واصل سازد...» (صفارزاده).
- «... تا کسانی را که ایمان آورده، کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد...» (انصاریان).
- «... تا آنان را که ایمان آورده، نیکوکار شدند، از ظلمات (جهل) به سوی نور (معرفت و ایمان) باز آورد...» (قمشه‌ای).

▪ «... تا کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته (ایمان) کردند، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون برد...» (صادقی تهرانی).

▪ «... تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بر آورد...» (خرمشاهی).

❖ ارزیابی ترجمه‌ها

در آیه فوق، همه مترجمان از ترجمه تحت‌اللفظی «ظلمات و نور» استفاده کرده‌اند، ولی آقایان مکارم شیرازی، مشکینی، فولادوند، خرمشاهی، صادقی تهرانی، انصاریان و معزی به ترجمه تحت‌اللفظی بدون افزوده تفسیری و آقای گرمارودی، قمشه‌ای و خانم صفارزاده به ترجمه تحت‌اللفظی با افزوده تفسیری توجه کرده‌اند.

○ نتیجه ارزیابی و نقد ترجمه‌ها

در آیه فوق، بهتر است که از ترجمه تحت‌اللفظی با افزوده تفسیری استفاده شود تا مخاطب مفهوم «ظلمات» و «نور» را به خوبی دریابد. بنابراین، بهترین نوع ترجمه در آیه فوق، ترجمه آقای گرمارودی و خانم صفارزاده است که به این نکته مهم توجه کرده‌اند.

☑ **ترجمه پیشنهادی:** «و پیامبری ارسال فرموده که آیات صریح و روشنگر خداوند را بر شما تلاوت می‌کند، تا کسانی را که ایمان آورده، عمل‌های شایسته کرده‌اند، از تاریکی‌ها (ی‌جهل، تردید، شرک، کفر و...) به سوی روشنایی (هدایت، توحید و ایمان عمیق) بیرون آورد.»

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱- تمام ترجمه‌هایی که در این مقاله تحلیل و ارزیابی شدند، از چهار روش تحت‌اللفظی، تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری، معنایی، و استعاره به تشبیه بهره‌جسته‌اند. جدول زیر اهتمام مترجمان نامبرده را به صنعت استعاره در ترجمه، ذیل چهار روش بیان‌شده در محدوده آیات منتخب نشان می‌دهد.

جدول روش‌شناسی ترجمه‌های منتخب در آیات استعاری

سوره / آیه	مکرم شیرازی	مشکینی	گرمارودی	فولادوند	معزی	صفا زاده	ترجمه پیشنهادی
النحل / ۱۱۷	معنایی	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری
البقره / ۱۶	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری
آل عمران / ۲۱	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	معنایی	معنایی	تحت‌اللفظی	معنایی
الانبیاء / ۱۸	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری
الأعراف / ۱۵۴	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی
یس / ۳۷	معنایی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	معنایی	معنایی
هود / ۴۴	معنایی	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت‌اللفظی	معنایی	تحت‌اللفظی	معنایی	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری
الإسراء / ۲۴	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری	معنایی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	معنایی	استعاره به تشبیه
الإسراء / ۲۹	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری	معنایی	تحت‌اللفظی	تحت‌اللفظی	استعاره به تشبیه	استعاره به تشبیه

المک/۷	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری
البقره/۲۷	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی
البقره/ ۲۱۴	معنایی	تحت اللفظی و معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری
الحجر/ ۹۴	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	معنایی	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری
الکهف/ ۷۷	تحت اللفظی	تحت اللفظی	معنایی	تحت اللفظی	معنایی	تحت اللفظی	معنایی	معنایی	معنایی
الطلاق/ ۱۱	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت اللفظی	تحت اللفظی	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری

- ۲- با تحلیل و بررسی اسلوب استعاره‌ای در قرآن به خوبی روشن می‌شود که:
- الف) برای یک مترجم قرآن، آشنایی با مباحث ادبی و بلاغی بسیار لازم و ضروری است.
- ب) احاطه داشتن به اسلوب بیانی، از جمله استعاره موجب می‌شود تا مترجم از کج‌فهمی و ترجمه نادرست آیات جلوگیری کند و آیه را متناسب با اسلوب به کار گرفته شده ترجمه کند.
- ج) با بهره‌گیری از این اسلوب می‌توان جذابیت قرآن را به مخاطب چشاند و زیبایی‌های قرآن را در معرض دیگران قرار داد و موجب رهیافت ایشان به اعجاز بیانی قرآن شد.

۳- نتیجه آماری میزان استفاده از روش‌های ترجمه در استعاره‌های قرآنی به وسیله مکارم شیرازی، مشکینی، گرمارودی، فولادوند، معزی، انصاریان، خرمشاهی، صادقی تهرانی و خانم صفارزاده و معزی تحلیل آن به قرار زیر است:

مترجم	تحت اللفظی	تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری	معنایی	معادل و برابر	استعاره به تشبیه
مکارم شیرازی	۳۳/۳۳٪	۱۳/۳۳٪	۵۳/۳۳٪	۰	۰
مشکینی	۴۰٪	۳۳/۳۳٪	۲۶/۶۶٪	۰	۰
گرمارودی	۴۰٪	۶/۶۶٪	۵۳/۳۳٪	۰	۰
فولادوند	۵۳/۳۳٪	۰	۴۶/۶۶٪	۰	۰
معزی	۷۰٪	۰	۳۰٪	۰	۰
صفارزاده	۱۳/۳۳٪	۴۰٪	۴۰٪	۰	۶/۶۶٪
انصاریان	۴۰٪	۳۳/۵۳٪	۶۶/۶٪		
خرمشاهی	۴۰٪	۶۶/۴۶٪	۳۳/۱۳٪		
قمش‌ای	۶۶/۲۶٪	۶۶/۴۶٪	۶۶/۲۶٪		
صادقی	۶۰٪	۴۰٪			
ترجمه پیشنهادی	۰	۵۰٪	۳۰٪	۰	۲۰٪

الف) مترجمان در ترجمه استعاره به چهار روش استعاره به ترتیب اهمیت در نزد آنان عمل کرده‌اند: ۱- تحت اللفظی. ۲- معنایی. ۳- تحت اللفظی با افزوده‌های تفسیری. ۴- استعاره به تشبیه.

ب) از جمله روش‌های بیان‌شده، ترجمه استعاره‌ای برابر و معادل است که هیچ یک از مترجمان به این نوع توجه نکرده‌اند.

ج) به استثنای خانم صفارزاده که (۱۳/۳۳٪) از ترجمه تحت‌اللفظی بهره جسته‌است، بیشترین درصد ترجمه را مترجمان از روش «تحت‌اللفظی» استفاده کرده‌اند.

۴- در تعیین بهترین روش ترجمه استعاره بعد از بررسی‌های صورت گرفته در شاهد مثال‌ها و انواع ترجمه‌ها در دیدگاه‌های دانشمندان می‌توان گفت که به دلیل رسایی در انتقال بلاغت آیه، معنا و مفهوم آن مشخص‌ترین نوع ترجمه، ترجمه معادل و برابر است که در صورت وجود معادل و برابر در زبان مقصد، مترجم می‌تواند در ترجمه از این نوع بهره ببرد. البته شایسته ذکر است که ترجمه معادل و برابر از آیات قرآن در زبان مقصد، در قالب مفاهیم استعاری رایج در بین مخاطبان قرآن فراوان نیست. در نتیجه، در اولویت بعدی از این نوع روش باید از روشی استفاده کرد که هم توجه به بلاغت آیه داشته باشد و هم مفهوم و معنا که این مهم بستگی به دشواری و آسانی استعاره موجود در آیات قرآن دارد. اگر هر سه وجه استعاره عقلی باشد، در ترجمه چنین آیه‌ای باید توجه به مفهوم و غایت آیه کرد و ادوات استعاره را کمتر در امر ترجمه دخالت داد؛ مانند استعاره شاهد مثال شماره ۴ (الأنبياء/۱۸). در واقع، در استعاره‌هایی که غموض معنایی دارند، می‌توان از ترجمه معنایی استفاده کرد. اگر استعاره از امور حسی بود، در امر ترجمه استعاره موجود در آیه، بر اساس دشواری استعاره می‌توان از یکی از روش‌های تحت‌اللفظی با افزوده‌های تفسیری، استعاره به تشبیه و یا استعاره به تشبیه با افزوده‌های تفسیری بهره برد. شایان ذکر است که در کل استعاره‌های بررسی شده، ترجمه استعاره تحت‌اللفظی درجه مقبولیت معنایی و بلاغی کمی دارد، به این دلیل که معنا و بلاغت آیه را به خوبی به زبان مقصد انتقال نمی‌دهد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

ابن ابی‌الأصعب، عبدالعظیم بن عبدالواحد. (۱۳۶۸). **بدیع القرآن**. ترجمه سید علی میر لوحی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- التفتازانی، اسعد. (۱۴۱۱ق.). **المعانی المختصر**. ج ۱. قم: مؤسسة آل البيت.
- التفتازانی، سعدالدین. (۱۳۰۸ق.). **المطول فی البلاغة (المطول علی التلخیص)**. ناشر: دار سعادات.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۹۸۷م.). **دلائل الإعجاز**. بیروت: دار المعرفة.
- جعفری، یعقوب. (۱۳۸۲). «استعاره در قرآن و دشواری ترجمه آن». **ترجمان وحی**. س ۷. ش ۲. صص ۳۹-۵۱.
- جواهری، سید محمدحسین. (۱۳۸۹). **درسنامه ترجمه اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن کریم**. ج ۲. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الحسینی، سید جعفر. (۱۴۱۳ق.). **أسالیب البیان فی القرآن**. ط ۱. طهران: مؤسسة الطباعة والنشر وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی.
- رمانی، ابوالحسن. (۱۹۷۶م.). **النکت فی اعجاز القرآن؛ سه رساله در اعجاز قرآن**. مصر: دارالمعارف.
- الزجاج، أبی اسحق بن ابراهیم. (۱۴۰۸ق.). **معانی القرآن وإعرابه**. شرح و تحقیق عبدالجلیل عبده شیلی. ط ۱. بیروت: عالم الکتب.
- زمخشری، جارالله محمود. (بی تا). **الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل**. بیروت: دار الفکر.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۳۵۴). **الإتقان فی علوم القرآن**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهرة: طبعة الهيئة العامة المصرية للكتاب.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. **تلخیص البیان فی مجازات القرآن**. تصحیح محمدحسن عبدالغنی. بیروت: دار الأضواء.
- القرآن الکریم**. ترجمه محمد کاظم معزی. تهران: انتشارات اسوه.
- _____ . (۱۳۸۰). ترجمه طاهره صفارزاده. تهران: بی نا.
- _____ . (۱۳۶۹). ترجمه علی مشکینی. ج ۱. تهران: الهادی.

- _____ (۱۳۷۳). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: بی‌نا.
- _____ (۱۳۷۸). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: مدرسه الإمام امیرالمؤمنین (ع).
- _____ (۱۳۸۳). ترجمه علی موسوی گرمارودی. تهران: بی‌نا.
- _____ (۱۳۸۲). ترجمه محمد صادقی تهرانی. بی‌جا: بی‌نا.
- _____ (۱۳۸۳). ترجمه حسین انصاریان. تهران: آیین دانش.
- _____ (۱۳۷۴). ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. بی‌جا: بی‌نا.
- _____ (۱۳۸۰). ترجمه مهدی قمشه‌ای. بی‌جا: بی‌نا.
- ماندی، جرمی. (۱۳۸۴). *آشنایی با مطالعات ترجمه (نظریه‌ها و کاربردها)*. ترجمه حمید کاشانیان. چ ۱. بی‌جا: مؤسسه انتشارات و خدمات فرهنگی هنری.
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۰). *تفسیر و مفسران*. تهران: نشر مؤسسه فرهنگی التمهید.
- هاشمی، سید احمد. (۱۳۶۷). *جواهر البلاغه*. قم: انتشارات مصطفوی.